

۳۱

# گنجینه

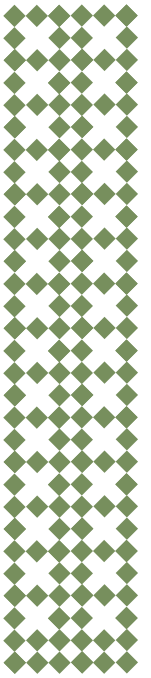
گزیده بیانات آیت‌الله عابدینی

در برنامه تلویزیونی سروش آسمانی

۲۲ اسفند ماه ۱۳۹۹



سازمان مجامع قرآنی



## اشاره

نشریه ذکر جمعه با هدف انتشار گزیده بیانات آیت‌الله عابدینی، نماینده محترم ولی فقیه در استان و امام جمعه قزوین، جمعه هر هفته به صورت الکترونیکی از طریق شبکه‌های اجتماعی ستاد نماز جمعه منتشر می‌گردد.

لازم به ذکر است متن بیانات امام جمعه محترم، با حذف و اضافات و ویرایش همراه است و سعی شده است جهت مطالعه و بهره‌جویی هرچه بهتر مخاطبین گرامی، اهم محورها ارائه گردد.

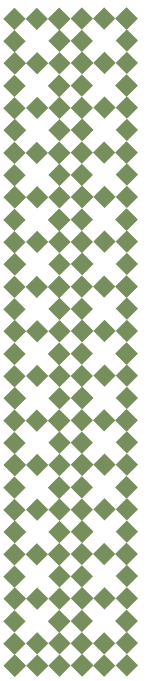




اعوذ بالله من الشيطان الرجيم  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
وصلى الله على محمد وآله الطاهرين  
حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم  
النصير

## هنگام بارش باران، دعا به اجابت نزدیک تر است

وقتی که باران می بارد، یعنی رحمت خدا می بارد. وقتی که رحمت خدا می آید، معنایش این است که درهای رحمت خدا به روی بندگان باز است. یعنی خیلی راحت تر دعا به اجابت می رسد و دری بسته نیست. وقتی که دری بسته نباشد، امیدی ناامید نیست و یأس و



ناامیدی نمی‌تواند بر روح امیدواری و اتکال به خدای متعال غلبه کند. در این فضا و فرصت، خدا در را باز گذاشته و بار عام داده؛ یعنی عموم مردم می‌توانند راحت خواسته‌هایشان را مطرح کنند (همیشه می‌توانند؛ ولی در این ایام به‌طور ویژه). به‌خاطر همین هم در روایات آمده که یکی از زمان‌های استجابت دعا زمانی است که باران می‌بارد. ما هم همه خیرات و خوبی‌ها و همه برکات و رحمت را از خدای متعال برای همه مردمان درخواست می‌کنیم و دفع همه بدی‌ها و بلاها را هم از خدای متعال می‌خواهیم؛ همان‌طور که یک ماه پیوسته خواستیم: «يَا مَنْ أَزْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَآمَنْ سَخَطُهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ»<sup>۱</sup> همه خیرها را فقط از تو امید داریم و هر شری که می‌آید خودمان را در پناه امن تو قرار می‌دهیم. همه خوبی‌ها

۱. ای خدایی که از او امید هر خیر و احسان دارم و نزد هر شری از خشم او ایمنی می‌جویم (مفاتیح الجنان، دعای ماه رجب، فراز نخست).





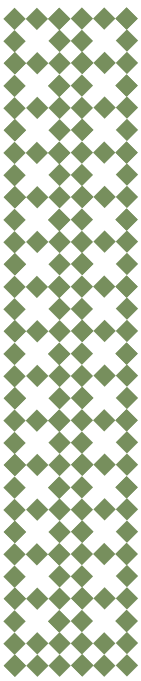
رازیر سایه رحمت و لطف و ولایت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و آل پیغمبر عَلَيْهِمُ السَّلَام از تو درخواست می‌کنیم.

## ماه رجب و شعبان فرصت آماده سازی برای ماه مبارک رمضان

دعاها، مستحبات و برنامه‌هایی را از خدا بخواهیم که در ماه‌های رجب و شعبان برای بندگان خدا تدارکات دیده شده است. محتوای دعاها واقعاً به انسان اوج می‌دهد. در دعایی که در ماه رجب بعد از هر نماز می‌خوانیم، وقتی می‌گوییم: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ»<sup>۲</sup> بفهمیم از خدا چه می‌خواهیم. این‌طور نباشد که کلمات را بگوییم؛ ولی درخواستمان را در درون کلمات ببینیم. معانی این کلمات، جواب نیازها و گرفتاری‌های ماست. همچنین همه دعاها

---

۲. به نام خداوند بخشنده مهربان. ای خدایی که از او امید هر خیر و احسان دارم (همان).



و فضائل دیگری را که خدای متعال برای ما تدارک دیده، از او بخواهیم. وقتی می‌گوییم: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین»، درهای رحمت به روی ما باز می‌شود و اجازه ورود به عرصه برکات و خیرات را پیدا می‌کنیم. در ماه رجب آماده می‌شویم. در ماه شریف شعبان، ولایت و امامت و دعا همه به هم می‌پیوندند:

﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ﴾<sup>۳</sup>

و ما را آماده می‌کنند که کم‌کم از نهر رجب به رود شعبان و اقیانوس ماه مبارک رمضان، محل نزول قرآن، نورانیت، برکت، خیر و رحمت برسیم که آن هم دارد به سراغ ما می‌آید. رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در آخرین روزهای ماه شعبان فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرٌ


۳. دو دریای [شیرین و شور] را روان ساخت در حالی که همواره با هم تلاقی و برخورد دارند (الرحمن: ۱۹).



اللَّهِ بِالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ»<sup>۴</sup> ماه رمضان با دست‌های پُر برای شما می‌آید؛ دستانش پراز برکت، رحمت و مغفرت است. هرچیزی که تو نیاز داری، خدا در دستان ماه رمضان قرار داده است؛ مبادا غافل بمانی که: «فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ»<sup>۵</sup> بیچاره و بدبخت آن کسی است که ماه رمضان را درک نکند. چطور می‌توانیم ماه رمضان را درک کنیم؟ چطور می‌توانیم شب‌های احیا را بفهمیم و با شب‌های احیا زنده بشویم. چطور می‌توانیم شب قدر را درک کنیم و مهندسی زندگی و چشم‌انداز آینده‌مان را در شب قدر برنامه‌ریزی کنیم. این‌ها نمی‌شود الا اینکه از ماه رجب شروع کنیم و در ماه شعبان

۴. ای مردم، ماه خدا با برکت و رحمت و مغفرت به شما رو کرده است (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۳۵۶).

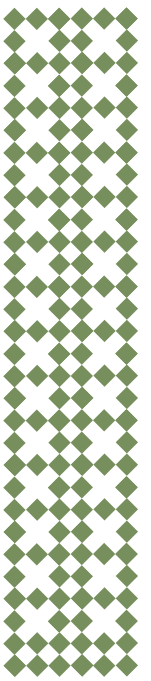
۵. بدبخت کسی است که در این ماه عظیم از غفران خداوند محروم ماند (همان).



آمادگی‌مان را به اوج برسانیم. در دو دههٔ ماه مبارک رمضان هم فرصت داریم که به این آمادگی قوت ببخشیم تا برسیم به شب قدر.

## ویژگی های منافقان

قبلاً گفتیم که وجه مشترک کفار، مشرکان، منافقان و اهل لهو و لعب (کسانی که خردمندی در زندگی‌شان محکم نیست)، این است که دین خدا را به مسخره و استهزا می‌گیرند. شاید برجسته‌ترین کسانی که بیشتر از همه در مسخره کردن دین خدا در آیات قرآن دیده می‌شوند، منافقان هستند. ظاهراً اسمشان مسلمان است؛ ولی باطناً دل در گرو دین ندارند، وابسته به دین نیستند و اعتقاد ندارند. اظهار دین می‌کنند؛ نه اینکه واقعاً دین داشته باشند. البته ممکن است کسی اعتقادش سست باشد؛ ولی ناآگاه باشد. نمی‌داند؛



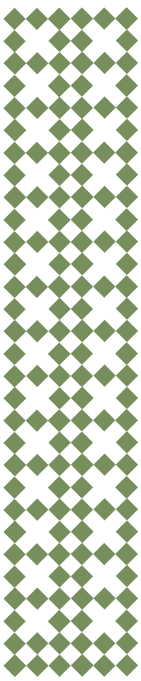
ولی دارد خودش را کامل می‌کند، مطالعه، فکر و سؤال می‌کند، می‌اندیشد، به خدا پناه می‌برد و خود را از آیات الهی تغذیه می‌کند. به چنین کسی نمی‌توان منافق گفت. سست هست؛ ولی می‌تواند قوی بشود. بستگی دارد که جهتش چه جهتی باشد. منافقان فقط سست نیستند، گاهی اصلاً دین ندارند؛ یعنی کاملاً کافرند و با کافران هستند؛ حتی ممکن است نماز هم بخوانند:

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُتَّالًا يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾<sup>۶</sup>

وقتی به نماز می‌ایستند، با بی‌رمقی و بی‌حالی نماز می‌گذارند و فقط اندکی به یاد خدا هستند. قرآن این‌ها را راجع به منافقان

---

۶. منافقان همواره با خدا نیرنگ می‌کنند، حال آنکه خدا کیفردهنده نیرنگ آنان است. و هنگامی که به نماز می‌ایستند، با کسالت می‌ایستند و همواره در برابر مردم ریاکاری می‌کنند؛ و خدا را جز اندکی به یاد نمی‌آورند (نساء: ۱۴۲).



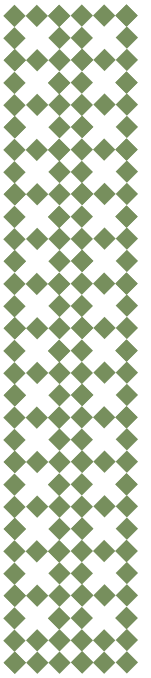
بیان فرموده است؛ پس منافق یعنی کسی که وابسته به دین نیست؛ ولی تا بخواهی وابسته به اجانب است؛ مثلاً در زمان رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ منافقان وابسته به یهودیان بودند، چون یهودیان هم زور داشتند و هم زر و زور یهودیان با تزویر منافقان گره خورده بود و با این ابزار «زر» و «زور» و «تزویر» در مقابل رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و صداقت و ایمان مؤمنان می ایستادند و مسخره می کردند. پس کافران هستند که دین را مسخره می کنند. فرمود:

﴿وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا﴾<sup>۷</sup>

«پیغمبر، وقتی تو را می بینند، جز مسخره کاری ندارند.» فقط مسخره می کنند و می گویند: «این کسی است خدا به عنوان رسول برای ما فرستاده؟!»  
توهین، تحقیر و کوچک دیدن مقام پیغمبر.

۷. و هنگامی که تو را می بینند جز به مسخره ات نمی گیرند [و می گویند]: آیا این است آنکه خدا او را به پیامبری برانگیخته است؟! (فرقان: ۴۱).





## صبر و بصیرت؛

### دو عنصر اساسی انسان مؤمن

این همان کسی است که خداوند درباره‌اش می‌گوید:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾<sup>۸</sup>

«پیغمبر، تو در خُلق بسیار با عظمتی و آن‌ها چشم دیدن عظمت تو را ندارند.» نه اینکه خوششان نمی‌آید ببینند؛ لیاقت دیدن پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را ندارند. دیدن پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چشم بصیرت می‌خواهد. کسی که در سال ۱۳۹۹ زندگی می‌کند، ولی نام و یاد پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جاننش را جلا و صفا می‌دهد، بصیرت دارد. رهبر فرزانه انقلاب ظَلَمَهُ اللهُ دیروز در بیانات خود فرمودند صبر و بصیرت دو عنصر اساسی در انسان مؤمن به حساب می‌آید.<sup>۹</sup> کسی که اهل صبر

۸. و یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاقی عظیمی قرار داری (قلم: ۴).

۹. سیدعلی خامنه‌ای، «بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث»، سایت خامنه‌ای. آی آر:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47510>



و بصیرت است، می فهمد پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کیست،  
 دل داده قرآن می شود و وقتی کلام پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ  
 را می شنود، شیفته می شود؛ برای اینکه چشم  
 دیدن آن را دارد. این «چشم» کدام است؟  
 همان که قرآن فرمود: «بصر».

## جهنم؛ سزای منافقان بی بصیرت

اما خدا درباره منافقان و کفار فرموده:

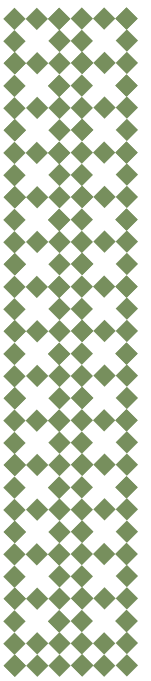
﴿صُمُّ بُكْمٌ عُمِيٌّ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾<sup>۱۰</sup> و  
 ﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا  
 يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكْمٌ عُمِيٌّ فَهُمْ لَا  
 يَعْقِلُونَ﴾<sup>۱۱</sup>

این ها چطور و با چه ابزاری باید پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را  
 ببینند؟ با چشم سر که نمی توان پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را

۱۰. کرو لال و کورند، به این سبب آنان [از گمراهی و ضلالت به سوی هدایت و حقیقت] باز نمی گردند (بقره: ۱۸).

۱۱. داستان [دعوت کننده] کافران [به ایمان]، مانند کسی است که به حیوانی [برای رهندنش از خطر] بانگ می زند؛ ولی آن حیوان جز آوا و صدا [آن هم آوا و صدایی که مفهومش را درک نمی کند] نمی شنود. [کافران، در حقیقت] کرو لال و کورند، به همین سبب [درباره حقایق] اندیشه نمی کنند (بقره: ۱۷۱).





دید. پس رفتار کافران این طور بود:

﴿وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾<sup>۱۲</sup>

فقط زمان پیغمبر ما نبوده است. در طول تاریخ هر پیغمبری آمد، کفار و معاندین او را به استهزا گرفتند. خدا هم تهدیدشان کرد و فرمود:

﴿ذَلِكَ جَزَاءُ هُمُ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُؤًا﴾<sup>۱۳</sup>

معلوم می شود منافقان و کسانی که مسخره می کنند، کافر هم هستند. قرآن می گوید: «این ها هم پیغمبر من و هم آیات الهی را مسخره می کنند و سزای این رفتارشان فقط جهنم است.» خدای متعال جهنم را برای رفتار این ها مهیا کرده است. یا کسانی که به

۱۲. ولی هیچ پیامبری به سوی آنان نیامد؛ مگر اینکه او را همواره مسخره می کردند (زخرف: ۷).

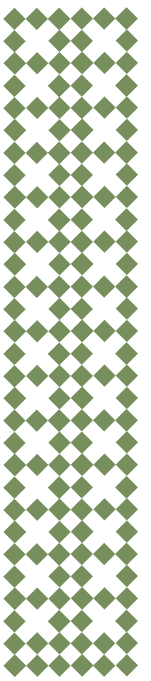
۱۳. این است [وضع و حال زیان کاران] به سبب آنکه کفر ورزیدند و آیات من و پیامبرانم را به مسخره گرفتند (کهف: ۱۰۶).

لهو و لعب می‌پردازند:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ  
عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ  
لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾<sup>۱۴</sup>

یعنی آخرت، نماز و دین را جدی نمی‌گیرند. این‌همه قرآن دعوت به تعقل و اندیشه می‌کند، اعتنا نمی‌کنند. این‌همه قرآن دعوت به ذکر می‌کند، اصلاً توجه نمی‌کنند. تمام هم‌شان این است که با هر لهو و لعبی مردم را از راه خدا بازدارند و علم و دانش و فهم را از آن‌ها بگیرند. قرآن، دین، نبوت و رسالت را به استهزا می‌گیرند. خدا برای این‌ها عذابی خوارکننده قرار داده است، چون در استهزا نوعی توهین به دین هست. این‌ها کسانی هستند که وقتی آیات خدا بر آن‌ها تلاوت می‌شود، با تکبر از

۱۴. و برخی از مردم اند که افسانه‌های بیهوده و سخنان یاوه و سرگرم‌کننده را می‌خرند تا از روی نادانی و بی‌دانشی [مردم را] از راه خدا گمراه کنند و آن را به مسخره بگیرند؛ اینان اند که برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود (لقمان: ۶).



آیات خدا روی برمی گردانند:

﴿وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَوَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾<sup>۱۵</sup>

## موعظه پیغمبر سودی به حال منافقان ندارد

جهالت دارند و از عقلشان استفاده نمی کنند. نه علم دارند و نه عقل؛ اما در عین حال خیلی قیافه می گیرند. متکبرانه از دین خدا روی می گردانند و گویی اصلاً آیات قرآن را نمی شنوند. به پیغمبرشان می گفتند:

﴿قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ﴾<sup>۱۶</sup>

«تو ما را موعظه بکنی یا نکنی، فرقی به حال ما نمی کند.» خدا هم فرمود:

۱۵. چون آیات ما براو خوانده شود، متکبرانه روی برمی گرداند، گویی آن ها را نشنیده است، انگار درد و گوشش سنگینی است، پس او را به عذابی دردناک مژده ده (لقمان: ۷).

۱۶. گفتند: تو پند و اندرز دهی یا ندهی برای ما یکسان است (شعراء: ۱۳۶).

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾<sup>۱۷</sup>

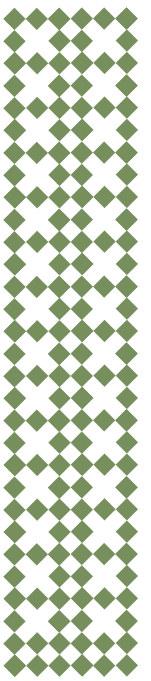
«پیامبر، تو این‌ها را انذار بکنی یا نکنی، فرقی نمی‌کند.» قیامت هم که می‌شود، خودشان با هم صحبت می‌کنند و می‌گویند:

﴿وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرُنَا أَمْ صَبْرُنَا مَا لَنَا مِنَ مَحِيصٍ﴾<sup>۱۸</sup>

«فرق نمی‌کند که ما جزع و فزع کنیم یا صبوری

۱۷. بی تردید برای کسانی که [به خدا و آیاتش] کافرند مساوی است چه [از عذاب] بیمشان دهی یا بیمشان ندهی، ایمان نمی‌آورند (بقره: ۶).

۱۸. و [در عرصه قیامت] همگی در پیشگاه خدا ظاهر می‌شوند؛ پس ناتوانان [ی که بدون به کارگرفتن عقل، بلکه از روی تقلید کورکورانه پیرو مستکبران بودند] به مستکبران می‌گویند: ما [در دنیا بدون درخواست دلیل و برهان] پیرو [مکتب] شما بودیم، آیا امروز چیزی از عذاب خدا را [به پاداش آنکه از شما پیروی کردیم] از ما برطرف می‌کنید؟ می‌گویند: اگر خدا ما را [در صورت داشتن لیاقت] هدایت کرده بود، همانا ما هم شما را هدایت می‌کردیم، [اکنون همه سرمایه‌های وجودی ما و تلاش و کوششمان بر باد رفته] چه بی‌تابی کنیم و چه شکیبایی ورزیم، برای ما یکسان است؛ ما را هیچ راه‌گریزی نیست (ابراهیم: ۲۱).



کنیم؛ چاره‌ای نیست، فقط باید عذاب بکشیم.»  
 همان وعده‌ای را که خدا داده، می‌چشند:  
 ﴿فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾<sup>۱۹</sup>  
 خدا مسخره‌کنندگان دین (کفار، مشرکان، منافقان و اهل لهو و لعب) را با عذاب دردناک و خوارکننده تهدید فرموده است.

## حساسیت منافقان به نماز جمعه

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:  
 ﴿وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا  
 ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾<sup>۲۰</sup>  
 این‌ها خردمند نیستند و از عقلشان استفاده نمی‌کنند. کلمه ندا هم اذان را شامل می‌شود و هم گویا به ما این توجه را می‌دهد که نماز جمعه برای منافقان بسیار حساسیت‌برانگیز است.

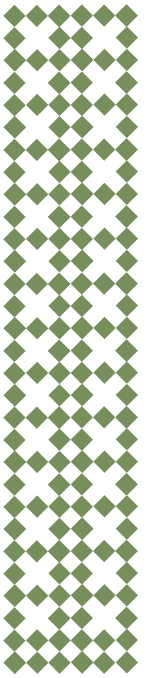
۱۹. پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده (انشقاق: ۲۴).

۲۰. و چون برای نماز ندا درمی‌دهید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند؛ این کار زشتشان به سبب این است که آنان گروهی هستند که [در حقایق و معارف] اندیشه نمی‌کنند (مائده: ۵۸).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ  
الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ  
خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾<sup>۲۱</sup>

در نماز جمعه علی‌القاعده باید در رکعت اول  
سوره جمعه خوانده شود. مرکز سوره جمعه،  
هجمه و حمله به یهودی‌هاست و خدا رفتارهای  
آنان را رصد می‌کند. در رکعت دوم سوره  
منافقون خوانده می‌شود که خدای متعال  
ریزه‌کاری‌های رفتاری منافقان را برملا می‌کند.  
به خاطر اینکه در نماز جمعه این مسائل مطرح  
است، منافقان حساس و نگران‌اند. هر هفته،  
جمعه که می‌شده این‌ها فکر می‌کردند که  
چه اتفاقی خواهد افتاد و آیامسلمانان در  
جریان مسائلشان قرار خواهند گرفت. حتی  
بعضی اوقات می‌گفتند: «ما هر کاری می‌کنیم،

۲۱. ای مؤمنان! چون برای نماز روز جمعه ندا دهند، به سوی ذکر خدا بشتابید  
و خرید و فروش را رها کنید که این [اقامه نماز جمعه و ترک خرید و فروش] برای  
شما بهتر است اگر [به پاداشش] معرفت و آگاهی داشتید (جمعه: ۹).



پیغمبر می‌داند؛ چطور خبردار می‌شود؟» از آنجایی که به وحی و رسالت و نبوت اعتقادی نداشتند، نمی‌فهمیدند که خدا با پیغمبرش گفت‌وگو می‌کند و آیات درباره منافقان بر قلب رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نازل می‌شود. همه منافقان همین طور بودند. مثلاً یزید سردسته نفاق است و همتش را گذاشت بر اینکه با شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام مردم را به دوران جاهلیت قبل از اسلام برگرداند. با چوب خیزران، با سر اباعبدالله علیه السلام بازی می‌کند و می‌خواند: «لَعِبْتُ هَاشِمٌ بِالْمُلْكِ فَلَا خَبْرٌ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ»<sup>۲۲</sup> «بنی‌هاشم با حکومت بازی کردند؛ وحی و قرآن چیست؟! چیزی نازل نشده است.» ظاهراً مسلمان است. نفاق یعنی همین.

۲۲. بنی‌هاشم با مُلک و پادشاهی بازی کردند و الاّ نه خبری آمد و نه وحی الهی در کار بود! (باقر شریف قرشی، حیاة الامام الحسین علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۷ و ج ۳، ص ۳۷۷، ۱۴۱۳ق).

## تبیین مفاسد منافقان؛ از رسالت های اصلی نماز جمعه

پس یکی از رسالت های اصلی و جدی نماز جمعه، در همه اعصار، تبیین مفاسد منافقان است و خواهد بود. باید به این رسالت ها بیشتر توجه کنیم. طبق فرمایش دیروز رهبر مَتَّ ۲۳ ظَلَّ باید اهل صبر باشیم و استقامت کنیم. یعنی خسته نشویم از حيله ها، نیرنگ ها، دروغ ها و صحنه سازی ها. می بینیم که طرف خیلی راحت صحنه سازی می کند و واقعیت ها را جور دیگری جلوه می دهد. علت گرفتاری های مردم را به جاهای دیگری ربط می دهد که اصلاً ربطی به آن ندارد. گرفتاری مردم با مدیریت، اخلاص در کار و صداقت حل می شود. مردم کسی را می خواهند که با دل سوزی آن ها را درک کند، با

۲۳. سید علی خامنه ای، «بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث»، سایت خامنه ای. آی آر:

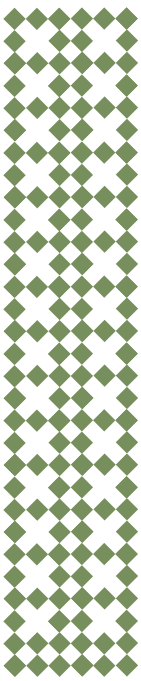
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47510>



آن‌ها زندگی کند و فقر و سختی و گرفتاری آن‌ها را بداند. اگر ما با مردم زندگی کنیم، سختی‌ها برایشان آسان می‌شود. اینکه مردم ببینند، اگر متاعی را گران می‌خرند، همان گرانی به بالاترین مقام‌های مملکتی هم فشار می‌آورد و نمی‌گوید برای من که مهم نیست گران باشد یا ارزان. احساس کنند که همه مثل هم زندگی می‌کنند، با هم هستند و درد هم را درک می‌کنند. اگر این لحن را کنار بگذاریم، نفاق جانشین آن می‌شود. مردم باید دو چیز داشته باشند: هم باید در مقابل این‌گونه ناملازمات صبوری بکنند، هم باید بصیرت داشته باشند.

## **بی اثر شدن دعا؛ نتیجه اشتباهات ما**

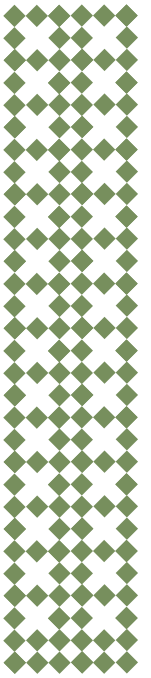
خیلی اوقات ممکن است ما اهل نفاق را به جان خودمان بیندازیم و در فرصت‌هایی که پیدا می‌کنیم، گزینش‌هایی که داریم و



انتخاباتی که مشارکت می‌کنیم، کاری بکنیم که بعداً دیگر پشیمانی سودی ندارد. به معیارهای الهی توجه نمی‌کنیم و فریب ظواهر کلام آدم‌ها را می‌خوریم که فریبنده هم هست. آن‌ها از ابزار نفاق استفاده می‌کنند و ما با گوش صداقت حرف‌هایشان را می‌شنویم. این باعث می‌شود که متوجه ماهیت آن‌ها نشویم و دام آن‌ها همواره برای ما تهدید باشد. پس باید صبوری کنیم و بر بصیرتمان بیفزاییم تا خودمان و مردم را گرفتار نکنیم. وقتی خودمان خودمان را گرفتار کنیم، ممکن است دعایمان هم نتیجه نداشته باشد: «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلِّيَ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ»<sup>۲۴</sup> کسانی که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند و معیارها را نمی‌بینند، بعد یکسره دعا می‌کنند. اینجا باید گفت

۲۴. امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلط می‌گردند، آنگاه هرچه خدا را بخوانید جواب ندهد (نهج البلاغه، ج ۱، نامه ۴۷).





موقعی که باید چشمت را باز می‌کردی، چه کار کردی؟

## توصیه به حق و صبر

یکی از مطالب کلیدی فرمایش دیروز رهبر<sup>۲۵</sup> مُكَ ظَلَّةً این بود:

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾<sup>۲۶</sup>

مردم باید توصیه به حق کنند و حق را با بصیرت ببینند. این تفسیر همان توصیه به صبر و بصیرت است که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «جز کسانی که اهل صبر و بصر هستند (هم شکیبایی و صبوری دارند و هم درک بصیرت دقیق) کسی نمی‌تواند پرچم دین را بلند کند

۲۵. سید علی خامنه‌ای، «بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث»، سایت خامنه‌ای. آی آر:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47510>

۲۶. مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده‌اند (عصر: ۳).



و پرچمدار باشد.<sup>۲۷</sup> یعنی همین رهبری که داریم و امامی که داشتیم. ائمه هدی علیهم السلام هم مخزن صبر و بصیرت بوده‌اند و هستند.

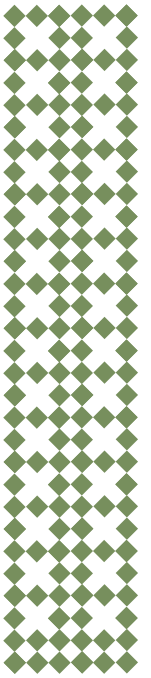
## مناسبت های هفته

### حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه به سوی مکه

همیشه خودمان و مردمان را به تقوای الهی توصیه و سفارش می‌کنیم. هر مناسبتی هم که بیان می‌کنیم، ما را در رسیدن به تقوایاری می‌کند. مثلاً یکی از مناسبت‌های این ایام حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه به سوی مکه است. ما در دهه محرم، در محضر معارف امام حسین علیه السلام حضور به هم می‌رسانیم. این موضوع از نیمه‌های رجب شروع شد و دوسه

۲۷. نک: «لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ» (نهج البلاغه، ج ۱، خطبه ۱۷۳).





روز مانده بود که ماه رجب به پایان برسد، امام حسین علیه السلام از مدینه حرکت کردند. به دلیل نقشه‌ای که بنی‌امیه برای امام حسین علیه السلام داشتند، دیگر صلاح نبود که ایشان در مدینه بمانند. نیمه‌های رجب، وقتی که مرگ معاویه اتفاق افتاد، آن‌ها برای حاکم مدینه نامه نوشتند و از او خواستند که از مردم مدینه، به ویژه حسین بن علی علیه السلام برای یزید بن معاویه بیعت بگیرد. وقتی که امام علیه السلام را برای بیعت خواستند و پیشنهاد بیعت دادند، فرمود تو که پیشنهاد بیعت می‌دهی، می‌دانی من کیستم؟: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنُ الرَّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ.»<sup>۲۸</sup> سلسله نبوت از ماست و من در حلقه سلسله نبوت هستم، معدن رسالت انبیا در خانه ماست، فرشتگان در خانه ما رفت و آمد داشته‌اند و وحی در خانه ما

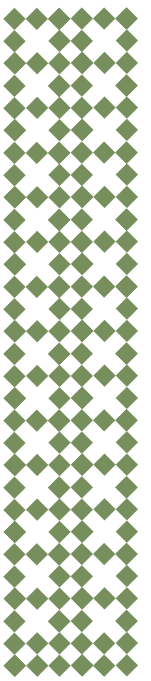
۲۸. من اهل خانه نبوت و معدن رسالت و محل نزول فرشتگان و فرودگاه رحمت (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، باب ۳۷، ص ۳۲۴).



نازل می‌شده است. خودشان را معرفی کردند، بعد فرمودند: «يَزِيدُ رَجُلٌ فَاِسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ مُعْلِنٌ بِاَلْفِسْقِ.»<sup>۲۹</sup> یزید یک انسان خمار و می‌گسار است، کسی است که به ناحق خون می‌ریزد، علناً فسق و فجور می‌کند و برای گناهانی که مرتکب می‌شود از مردم حیا نمی‌کند و در جایی که به عنوان پایگاه نبوت و رسالت نشسته، با حیوانات بازی می‌کند. امام بعد از همه این‌ها، فرمودند: «وَ مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ.» «نفرمود من با یزید بیعت نمی‌کنم؛ گفت هیچ‌گاه کسانی به من شباهتی دارند و با من سنخیتی دارند، با هرکسی که سنخیتی با یزید دارد، بیعت نخواهد کرد. یعنی حضرت با این بیانشان، تکلیف جهانیان را تا قیامت روشن کردند.

در روزهایی که امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در مدینه بودند، خیلی

۲۹. یزید مردی است گنهکار و می‌گسار و آدم‌کش و خیانت‌پیشه بی‌شرم و همچون منی با چنین کسی بیعت نخواهد نمود (همان).



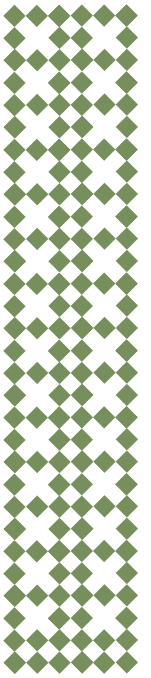
اتفاقات افتاد؛ اما دوسه روز مانده به پایان ماه شریف رجب، امام علیه السلام وصیت‌نامه نوشتند و برادرشان محمد حنفیه سپردند. در آن وصیت‌نامه ایده‌ها و مبانی‌شان را برای همه ما مردم تا قیامت مطرح فرموده‌اند. بعد از مدینه خارج شدند. محتوای وصیت‌نامه امام علیه السلام اجمالاً این بود: شهادت به یگانگی خدا، شهادت به نبوت و رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و انبیای عظام و اعتقاد به قیامت. بعد از این‌ها فرمودند: «أَنْبِيَّ لَمْ أَخْرُجْ أَشِرًّا وَ لَا بَطِرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا»<sup>۳۰</sup> به مردم اعلام می‌کند که من برای ظلم، فساد، قدرت‌طلبی و این‌گونه مسائل قیام نکردم. امام پیش‌بینی می‌کردند که دشمن همین‌ها را به ایشان خواهد گفت؛ چنان‌که گفتند؛ ولی امام علیه السلام پیش‌تر زمینه را در افکار مردم آماده کرده بودند. فرمود: «وَ إِنَّمَا

۳۰. من برای جاه‌طلبی و کام‌جویی و آشوبگری و ستمگری قیام نکردم (همان).

خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ»<sup>۳۱</sup> قرارم بر این است که به امر به معروف و نهی از منکر عمل کنم. معلوم می‌شود که امام علیه السلام «معروف» را حاکمیت اولیای الهی معنا می‌کند و «منکر» را یزید و یزیدیان، ظلم و فساد، استکبار و شیطنت و نفاق. من برای این قیام می‌کنم و می‌خواهم به سیره جدم و پدرم عمل کنم. این عصاره وصیت اباعبدالله علیه السلام است.

**میلاد امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام**  
 سوم شعبان روز میلاد امام حسین علیه السلام است. جالب است که در همان روز میلادشان، مسیر بین مکه و مدینه را طی کردند و به مکه رسیدند.

۳۱. بلکه برای اصلاح در کار امت جدم قیام کردم. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به شیوه جد و پدرم حرکت کنم (همان).

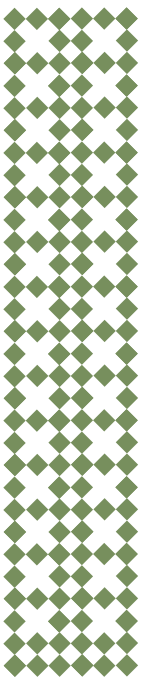


چهارم شعبان (یک روز پس از میلاد امام حسین علیه السلام) میلاد حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است. قمر بنی‌هاشم، فرمانده لشکر اباعبدالله علیه السلام و حامی و همراه او، آن شخص مؤمن با عظمت و عالم ربانی. همه این موالید را تبریک عرض می‌کنم.

## روز بزرگداشت شهدا

به هر حال باید روزی را برای گرامیداشت شهیدانمان قرار می‌دادیم، چون خدا کاری کرده که همه چیزمان را وامدار شهیدان و وابسته به آنان باشیم. همان طور که برای «آزادگان» و بسیاری از مناسبت‌ها، روز تعریف کردیم. موقعی را مشخص کردیم که فرصتی پیدا کنیم تا حال و هوای آن‌ها را پیدا کنیم و از شخصیت آن‌ها بهره‌مند شویم. وقتی که بحث از شهدا می‌شود، اگر دقت کنیم، می‌بینیم که اولین





کسی که بیشترین حرمت، عظمت و بزرگی را برای شهدا قائل شده، خود خداست. خدایی که در سوره مبارک بقره فرمود:

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾<sup>۳۲</sup>

مبادا به شهدا بگویید: «مرده»! این‌ها زنده هستند؛ شما نمی‌دانید و فضای آن‌ها را نمی‌فهمید.

این یک گام است. در گام دیگر، در سوره مبارک آل عمران، فرمود:

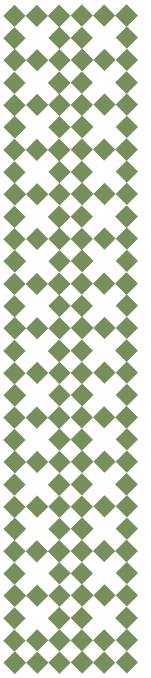
﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾<sup>۳۳</sup>

نه تنها نگویید این‌ها مرده هستند؛ بلکه اگر در افکار و خیالاتان هم چنین فکری کنید،

۳۲. و به آنان که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگویید؛ بلکه [در عالم برزخ] دارای حیات اند؛ ولی شما [کیفیت آن حیات را] درک نمی‌کنید (بقره: ۱۵۴).

۳۳. و هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مرده اند، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند (آل عمران: ۱۶۹).





شما خیالاتی هستید. آن‌ها زنده هستند. اگر این را نمی‌فرمود، فکر می‌کردیم آن‌ها مرده هستند؛ منتها ما نباید بگوییم. وقتی می‌گوید حق ندارید حتی در فکر و خیالتان هم این فکر را داشته باشید که آن‌ها مرده‌ای هستند مانند مرده‌های دیگر، معنایش این است که واقعاً زنده هستند. در سوره یاسین راجع به شهیدی صحبت می‌کند تا اینکه می‌گوید:

﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ﴾  
﴿بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾<sup>۳۴</sup>

به این شهید گفته شد که بفرمایید بهشت. شهید گفت من با مردم، خانواده‌ام، دوستانم، هم‌کلاسی‌هایم و هرکسی که با او بوده‌ام حرف دارم؛ بعد به بهشت می‌روم. ای کاش مردم می‌دانستند که خدا چطور مرا مشمول غفران

---

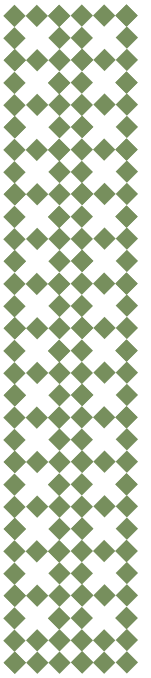
۳۴. [سرانجام به دست آن مشرکان شهید شد، و به او] گفته شد: به بهشت درآی. گفت: ای کاش قوم من معرفت و آگاهی داشتند به اینکه پروردگارم مرا آمرزید و از کرامت یافتگان قرارم داد. (یس: ۲۶ و ۲۷).

خود قرار داد، هر کمی و کاستی را از زندگی من دور کرد و مرا از مُکرمین قرار داد. یعنی بالاترین عزت و کرامت را برای من قائل شد. اگر از منظر دیگری نگاه کنیم، خدا شهدا را از صفر با خود همراه می‌کند و آن‌ها را به جهاد دعوت می‌کند:

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾<sup>۳۵</sup>

به آن‌ها می‌گویید هرچه دارید، به من بدهید؛

۳۵. و در راه خدا چنان که شایسته جهاد است، جهاد کنید؛ او شما را برگزید و بر شما در دین هیچ مشقت و سختی قرار نداد. [در دینتان گشایش و آسانی قرار داد مانند گشایش و آسانی] آیین پدرتان ابراهیم، او شما را پیش از این «مسلمان» نامید و در این [قرآن هم به همین عنوان نام گذاری شده‌اید] تا پیامبر گواه بر شما باشد و شما هم گواه بر مردم باشید؛ پس نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و به خدا تمسک جوئید. او سرپرست و یاور شماست؛ چه خوب سرپرست و یآوری و چه نیکو یاری دهنده‌ای است (حج: ۷۸).



من خریدار هستم:

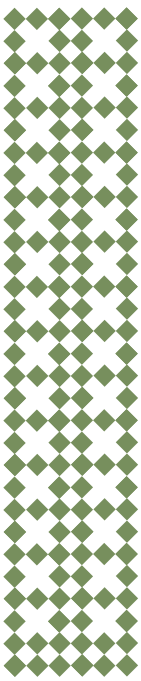
﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعُودًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾<sup>۳۶</sup>

می‌گویند صدای پای شما و اسب‌هایتان برای من ارزش دارد:

﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾ ﴿فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا﴾<sup>۳۷</sup>

قسم پشت قسم. خدای متعال به صدای پای اسب مجاهدان راه خدا و گردو خاکی که

۳۶. یقیناً خدا از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را به بهای آنکه بهشت برای آنان باشد، خریده؛ همان کسانی که در راه خدا پیکار می‌کنند، پس [دشمن را] می‌کشند و [خود در راه خدا] کشته می‌شوند [خدا آنان را] بر عهده خود در تورات و انجیل و قرآن [و عهده بهشت داده است] وعده ای حق؛ و چه کسی به عهد و پیمان‌ش از خدا وفادارتر است؟ پس [ای مؤمنان!] به این دادوستدی که انجام داده‌اید، خوشحال و شاد باشید؛ و این است کامیابی بزرگ (توبه: ۱۱۱).  
۳۷. سوگند به اسبان دونده ای که همه‌کنان [به سوی جنگ] می‌تازند و سوگند به اسبانی که با کوبیدن سُمشان از سنگ‌ها جرقه می‌جهانند (عادیات: ۱ و ۲).



از حرکت اسب مجاهدان برمی خیزد، سوگند یاد می کند. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ.»<sup>۳۸</sup> این ها همه یعنی عظمت جایگاه شهیدان که اگر این ها را متوجه شویم، باید به حال آنان غبطه بخوریم و دعا کنیم که خدایا مرگ ما را شهادت در راه خودت قرار بده. اگر خوب حس کنیم، از صمیم دل شهادت را از خدا درخواست می کنیم.

جوان هایی که الآن بر سر مزار شهدا می روند، اصلاً شهید را ندیده اند؛ ولی با تمام وجودشان با او گفت و گو می کنند، برایش دل نوشته دارند و با او زندگی می کنند. بیشترین کتاب هایی که مورد توجه نسل جوان ماست، خاطرات شهداست. پیر و جوان، وقتی این کتاب ها را می خوانیم تحت تأثیر قرار می گیریم. همین که

۳۸. جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند آن را بر روی اولیای خاص خود گشوده است (نهج البلاغه، خطبه ۲۷).





تحت تأثیر قرار می‌گیریم، معلوم می‌شود که سنخیتی میان ما هست و می‌شویم «قوم» آن‌ها. قوم معنایش این نیست که حتماً پسرعموی آن‌ها باشیم یا نسبت فامیلی داشته باشیم. همین که دل‌مان با آن‌هاست، کافی است.

والحمد لله رب العالمین...





سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران